

# جایگاه روستا در رشد و توسعه (۱)



## ● آیا اصولاً توسعه کشور،

می‌بایست با

برنامه ریزی بخشی و بدون توجه

به مناطق محروم

بدنبال خود کفائی باشد؟

و یا اینکه

از خود کفائی در کوتاه مدت چشم

پوشیده و در پی رفع محرومیت برنامه ریزی

شود؟

و یا چیز دیگری؟



تحقق اهداف و ارزشهای والای اسلامی در جامعه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله ضرورت‌هایی بوده و هست که نظر دست اندرکاران و برنامه ریزان کشور را همواره متوجه خود نموده است، و خرابیهای اجتماعی و اقتصادی کشور بقدری عمیق می‌باشد که مدتها و شاید سالیان طولانی رنج و زحمت را برای ترمیم آن می‌بایست صرف نمود. لذا به منظور فراهم نمودن زمینه‌های رشد و اعتلای انسانی و تسهیل در امر ایجاد جامعه‌ای متعالی اسلامی، توجه و برآورد امکانات بالقوه و بالفعل، و افزایش مناسب کارآئی آنها از یک طرف قادر است مشکلات اساسی کشور را در زمینه رفع محرومیت جوامع شهری و روستائی را برطرف نماید و از طرف دیگر، جامعه را از بندهای اسارت بار استکبار جهانی برهاند. موضوع یادشده چیزی جز برنامه ریزی را تداعی نمی‌کند، و در مورد نفس برنامه ریزی دیدگاه‌های گوناگون و بسیار متفاوتی وجود دارد. عده‌ای نظر بر این دارند که عقل و تجربه انسانها قادر است یک برنامه منسجم را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی فراهم نماید. و عده‌ای دیگر را عقیده بر اینست که اصولاً در نظامهای غیرالهی برنامه ریزی نمی‌تواند مفهوم عینی داشته باشد زیرا برنامه نیازمند به دو

عنصر اطلاع دقیق از واقعیات و شناخت عمیق از انسان است و این تنها زمانی تحقق خواهد یافت که در یک نظام فکری الهی تدوین یابد و در مقابل واقعیات برنامه ریزی سیستمهای غیرالهی، اظهار می‌دارند، که:

اصولاً، نفس تدوین یک برنامه در آن سیستمها هرگز قادر نیست، وظیفه یک برنامه را که ایجاد رشد و تعالی انسانی در جامعه است ایفا نماید، بلکه همواره نقش مقابله مقطعی و دوره‌ای با بحرانهای اجتماعی و سوسانات اقتصادی را ایفا کرده است و بدینوسیله سیستمهای ارائه شده آن نظام فکری را زیر سؤال می‌برند.

از آنجا که در موضع بررسی دیدگاههایی قرار نداریم که در زمینه فوق بیان شده اما بنظر می‌رسید اشاره به آن در مدخل بحث بی‌فایده نباشد. بدین خاطر به نظریه‌هایی که در رابطه با جایگاه برنامه ریزی در نظامهای اجتماعی موجود وجود دارد اشاراتی در ذیل خواهد شد:

نظام فکری شرق ابتدا به یک برنامه ریزی کاملاً متمرکز معتقد بود که بنظر می‌رسد تعدیلاتی در این زمینه رخ داده است و دو عنصر اساسی نقش اساسی ایفا می‌کنند، یکی انسان اجتماعی و دیگری عنصر برنامه ریزی است، بعبارت دیگر بر مبنای اصالت بخشیدن به اجتماع، برنامه ریزی متمرکز اجتماعی، اقتصادی را در سطح خرد و کلان، از جمله وظایف دولت دانسته و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل می‌باشند و معتقدند که با برنامه ریزی همه جانبه متمرکز شده قادر خواهند بود منافع اجتماع را تأمین نمایند.

در نظام فکری غرب که اعتقاد به سیستم آزاد دارند دو عنصر، انسان اقتصادی و مکانیزم بازار، استوانه نظام را تشکیل می‌دهد و بر این اساس، به اصالت فرد اعتقاد داشته و معتقدند که همواره تا زمانی که انسان بصورت فردی در پی کسب منافع خویش است، خودبخود منافع جامعه نیز تأمین می‌گردد و در نظامهای مختلط اجتماعی، بستگی به شرایط، از بخشی از مورد اول و بخشی از مورد دوم بهره می‌گیرند.

بهرصورت در اینجا این سؤال پیش می‌آید که در یک نظام الهی برنامه ریزی چه جایگاهی دارد که عده‌ای معتقدند که ضرورت برنامه ریزی در یک نظام الهی از آنجا مفهوم می‌شود که اولاً زمینه‌های اعتلای انسان به ارزشهای الهی فراهم گردد، و ثانیاً امکانات بهره‌گیری و استفاده عموم جامعه را از منابع موجود امکانپذیر نماید.

مطالب فوق بررسی مقوله برنامه ریزی از جنبه تئوریک بود که واقعیت وجودی کشورهای جهان سوم و استکبار جهانی از طرفی و الزام شکسته شدن این تقسیم‌بندی باطل جوامع از طرف دیگر، ضرورت توجه عمیق جوامع جهان سوم را به مقوله برنامه ریزی دوچندان نموده است.

بنظر می‌رسد که کشورهای جهان سوم تنها در بستریک برنامه ریزی منسجم و متکی به امکانات داخلی قادرند خود را از مدار استکبار جهانی خلاص کرده و در مقابل آن موضع‌گیری نمایند و هرچه این برنامه دقیق‌تر و عمیق‌تر و اصولی‌تر، طراحی گردد بقای آن بیشتر تضمین شده است، و مسلماً یک برنامه‌ای که حاصل نظام فکری الهی است، می‌تواند حیات جامعه الهی را در تداوم تاریخ تضمین نماید.

مرحله دیگری که در یک برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی طرح می‌گردد، جهت‌گیریهای زمانی و مکانی برنامه است و اینکه اصولاً برنامه بخشی و یا منطقه‌ای است تفاوت‌های فراوانی به لحاظ فنی و نهایتاً اجرایی وجود دارد.

در ابتدا سعی می‌شود که بدون قضاوت ارزشی تنها به تشریح مختصر هر مورد فوق اشاراتی گردد.

### الف - برنامه ریزی بخشی

برای برنامه ریزی بخشها لازم است که اقتصاد به چند بخش اصلی و فرعی تقسیم شود. تعداد و عنوان این بخشها صرف نظر از ذهنیات برنامه ریزان و سوابق تاریخی، با توجه به اهمیت فعالیتها، تشکیلات اجرایی و نیز دسترسی به اطلاعات آماری و از همه مهمتر، صلاحدید جامعه تعیین می‌شود.

مثلاً قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در برنامه پنجم کشور بخشهایی که از لحاظ تخصیص اعتبار، تشخیص داده شده بودند عبارت بودند از بیست بخش زیر:

کشاورزی، آب، صنایع، معدن، نفت، گاز، برق، اعتبارات، ... بهداشت و تغذیه و غیره. که هر یک از این بخشها بلحاظ تخصیص اعتبارات عمرانی به چند بند تقسیم شده بودند بعنوان مثال در مورد کشاورزی به زیربخشهای، حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی، کشت و صنعت، افزایش تولید کشاورزی، تعاونی و شرکتهای

## ● از زمره اهداف انقلاب اسلامی،

تأمین

استقلال اقتصادی،

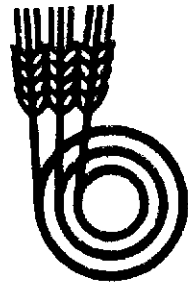
رفع محرومیتها،

استفاده مطلوب از منابع بوده و می باشد

که جملگی بخشی از زمینه های

رشد و اعتلای جامعه

را فراهم می نمایند.



تعریفی ندارد در حقیقت اقدامات انجام شده و یا برنامه های مورد لزوم یک منطقه بخصوص است که تعریف برنامه ریزی منطقه ای را بر آن منطقه بخصوص ممکن می کند. تعاریف دیگری از برنامه ریزی منطقه به شرح زیر شده است. ۱:

۱- برنامه ریزی منطقه ای کوششی است متشکل و منظم برای انتخاب بهترین روشهای موجود برای رسیدن به هدف خاص در یک منطقه.

۲- برنامه ریزی منطقه ای عبارتست از کوشش جهت بالا بردن سطح زندگی مردم یک منطقه.

۳- برنامه ریزی منطقه ای عبارتست از کوشش جهت بدست آوردن حداکثر استفاده از منابع کمیاب موجود.

در رابطه با برنامه ریزی منطقه ای عده ای نظر دارند که اگر بدنبال استعدادها و طبیعی و جغرافیائی ناحیه برنامه ریزی صورت پذیرد به معنای آن است که از قدرت تکنولوژی و سرمایه در نبرد با طبیعت چشم پوشیده ایم و لنگان لنگان در اجرای اوامر طبیعت و احیاناً نامساعد گام برداشته ایم.

همانطور که ملاحظه گردید، تنظیم یک برنامه توسعه در سطح ملی نیازمند توجه اساسی به

این بخشهای اقتصادی هستند که در مقابل برنامه ریز قرار گرفته اند و اصولاً اینگونه نگرستن به تنهایی فقط رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی را تأمین خواهد کرد.

**ب- برنامه ریزی منطقه ای:**

برنامه ریزی منطقه ای را می توان به دو نوع تعبیر نمود:

۱- برنامه ریزی منطقه ای بدون توجه به هدفهای کلی در سطح ملی در نظر گرفته شود و هر منطقه ای بمنظور تأمین اهداف خاص برنامه ریزان منطقه، جهت گیری نماید.

۲- برنامه ریزی بخشی منطقه ای باشد عبارت دیگر بعضی از تصمیمات در باره منطقه ها فقط می تواند در مقیاس ملی اتخاذ شود مثل تصمیمات در باره بزرگراههای اساسی ارتباطی، ایجاد قطبهای صنعتی و یا بنادر و این قبیل طرحها.

از نظر تعریف برنامه ریزی منطقه ای، بسیاری را عقیده بر این است که برنامه ریزی منطقه ای

سهامی زراعی و غیره. تقسیم بندی دیگری که بکار رفته است مبتنی بر یکسانی فرآورده ها است. در این رده بندی ابتدا بخش کشاورزی به چهار بخش فرعی، تولیدات زراعی، تولیدات دامی، محصولات اراضی جنگلی و شیلات تقسیم شده است و سپس دو بخش فرعی نخست به ترتیب به ۹ و ۵ گروه و سرانجام هر یک از این گروهها به تعدادی فعالیت تقسیم شده اند.

بنابراین در یک برنامه می توان جهت تأمین اهداف آن، بخش یا بخشهایی را در تخصیص منابع اولویت داده و بعبارت دیگر اینکه،

بسیاری مسائل پیچیده می‌باشد که انشاءالله در سلسله مباحث دیگری آن را بررسی خواهیم نمود اما نتیجه ای که از درک مطالب فوق در نظر است اتخاذ گردد، تبیین جایگاه اساسی و واقعی قبهائی همچون روستا و شهر در یک برنامه توسعه است.

در بالا یادآوری شد که هدفهای کلی توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور همچون یک بستر، برنامه را هدایت می‌نماید و تنها برنامه می‌تواند در آن راستا، نقش ایفا نموده و مفید واقع گردد.

از زمره اهداف انقلاب اسلامی، تأمین استقلال اقتصادی، رفع محرومیتها، استفاده مطلوب از منابع بوده و می‌باشد که جملگی بخشی از زمینه‌های رشد و اعتلای جامعه را فراهم می‌نمایند. بنابراین اگر از توجه به بخش یا منطقه‌ای یاد می‌شود می‌بایستی در جهت اهداف فوق بوده باشد. بدین لحاظ آنچه را که در این مباحث پی خواهیم گرفت بدنبال پاسخ این سؤال می‌باشد که جایگاه روستا در برنامه رشد و توسعه کشور کجاست؟ آیا اصولاً توسعه کشور می‌بایست با برنامه ریزی بخشی و بدون توجه به مناطق محروم، بدنبال خود کفائی باشد؟ و یا اینکه از خود کفائی در کوتاه مدت چشم پوشیده و در پی رفع محرومیت، برنامه ریزی شود؟ و یا چیز دیگری؟

بنظر می‌رسد از مجموعه مباحثی که در آتی تحت عنوان «جایگاه روستا در رشد و توسعه» از نظر خوانندگان خواهد گذشت پاسخ سؤال فوق تداعی گردد. در این مباحث سعی خواهد شد که چگونگی اولویت دادن زمانی و مکانی منطقه شهری و روستائی را در برنامه‌های توسعه تبیین گردیده و سهم هر منطقه را در توسعه اجتماعی، اقتصادی کشور مشخص نمائیم. بدین منظور طرح کلی مباحث آینده به شرح زیر خواهد بود:

### فصل اول - تعاریف:

- ۱- مفهوم توسعه
- ۲- تعریف روستا
- ۳- تمرکز و عدم تمرکز
- ۴- جمع بندی فصل اول

### فصل دوم - چگونگی دستیابی به:

- الف - خود کفائی کشاورزی
- ب - خود کفائی صنعتی
- ج - تأمین اشتغال برای همه و رفع محرومیت
- د - اقتصاد غیرمصرفی
- ه - بهره‌وری مناسب از منابع و ذخائر
- و - مشارکت مردم

ز - عدالت اجتماعی

ح - پرورش و شکوفائی استعدادها

ط - فرهنگ متعالی در جامعه

ی - ...

ک - جمع بندی فصل دوم

### فصل سوم - خط مشی دستیابی به توسعه:

۱- برنامه ریزی

۲- آموزش:

الف - نظام آموزشی

ب - فن آموزشی

ج - نیروی آموزشی

د - ارتباط جمعی

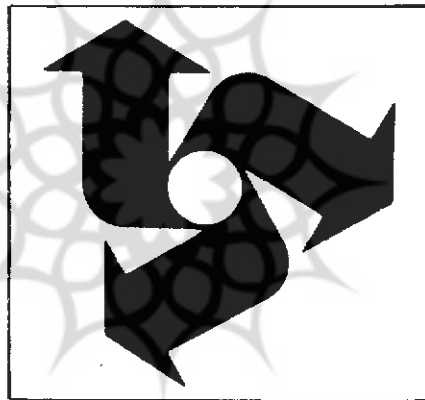
ه - تکنولوژی و تکنیک مناسب

۳- راه و حمل و نقل

۴- مشارکت مردم:

الف - اجتماعی

ب - اقتصادی



ج - نظامی

۵- هماهنگی بخشهای مختلف اقتصادی

۶- اعتبارات:

الف - روستائی

ب - شهری

۷- تحقیقات

۸- تعاون و تعاونی

۹- جمع بندی

### فصل چهارم نتیجه - تعیین جایگاه روستا در

رشد و توسعه

در فصل اول ضمن بیان مفاهیم و تعاریف رشد و توسعه، روستا و تمرکز و عدم تمرکز و همچنین اولویت، سعی خواهد شد که در قسمت جمع بندی بستر اساسی مباحث را تبیین نمائیم و در فصل دوم، در پی پاسخ به این سؤال خواهیم بود که آیا خود کفائی کشاورزی و صنعتی و مبارزه با فرهنگ مصرفی در گروهی توجه به چه مسائلی

### ● بنظر می‌رسد که

### کشورهای جهان سوم

تنها در بستر یک برنامه ریزی منسجم

و

متکی به امکانات داخلی

قادرانند خود را

از مدار استعمار جهانی خلاص کرده و

در مقابل آن موضع گیری نمایند.

است، مثلاً بمنظور خود کفائی کشاورزی، چه مواردی را می‌بایست در نظر داشت؟ و انتهای این فصل از بررسی امیدواریم، جایگاه واقعی روستا در رشد و توسعه تبیین شده باشد.

در فصل سوم سعی می‌گردد خط مشی دستیابی به توسعه و عبارت دیگر عوامل مؤثر در تسریع حرکت جامعه به سمت توسعه را بر شمرده و مشکلات و تنگناها و رابطه آنها را با توسعه مشخص نمائیم. و در فصل چهارم مطالب اصلی و نتایج کلی تحقیق را مورد ارزیابی قرار داده و انشاءالله حاصل آنرا در بیان یک تئوری عرضه خواهیم داشت.

(ادامه دارد)

زیرنویس:

- ۱- ویژه نامه برنامه ریزی عمران منطقه ای - انتشارات سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۴
- ۲- درآمدی بر برنامه ریزی. م. توفیق